

عنوان مقاله:

لایه نگاری فضای کربلا در شعر برمبنای نقد جغرافیایی وستفال مطالعه موردی: محتشم کاشانی، موسوی گرمارودی، جورج شکور

محل انتشار:

فصلنامه نقد ادبی، دوره 13، شماره 51 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسندگان:

ندا عظیمی - Kish international campus, university of tehran

بهمن نامورمطلق - Associate Professor University, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

حسن بلخاری قهی - Professor University, Tehran University, Tehran, Iran

نسرين دخت خطاط - Professor University, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

خلاصه مقاله:

فضای کربلا از دیرباز تا امروز بسیار متکثر و پویا بوده و به همین دلیل تصاویر ذهنی نویسندگان نیز از این فضا متکثر و پویاست. نقد جغرافیایی از رویکردهای جدید میان رشته ای است که به فضا به عنوان یکی از دستاوردهای مهم دوران پست مدرن توجه خاصی دارد. این نقد تعامل میان سوژه و فضا را در نظر می گیرد و از فضای جغرافیایی به فضای تخیلی در ادبیات گذر می کند. هدف اصلی این پژوهش مطالعه تاثیر رسوب گذاری فضا بر خوانش مخاطب از اشعار شاعران مورد مطالعه است. این رسوب گذاری فضا نیز بر اثر انباشتگی زمانی رخ می دهد و موجب می شود لایه های مختلف متنی در فضا و جغرافیا شکل بگیرد. بر این اساس، پژوهشگران با توجه به اصل فضا زمانندی نقد جغرافیایی وستفال، به دنبال کشف لایه های فضا زمانی شکل دهنده فضای کربلا در این اشعار هستند. نتیجه حاکی از آن است که این لایه ها قابلیت معرفی فضا و هویت بخشی به شاعر را داشته و آن ها با ایجاد دیالکتیک بین خود و دیگری، هویت خود را آشکار و هویت دیگری را افشا می کنند. همچنین با توجه به اصل چندکانونگی وستفال که به نگاه های متفاوت از جمله نگاه درون زاد، برون زاد و دگرزاد توجه دارد، در بررسی فضای کربلا نگاه شاعر مسیحی به عنوان نگاه برون زاد درمقابل نگاه شاعر مسلمان (نگاه درون زاد) در نظر گرفته شده است و تلاش می شود تا هم گرایی میان این سه شاعر مشخص شود.

کلمات کلیدی:

Karbala space, Geocriticism, spatiotemporality, stratification, Westphal

فضای کربلا، نقد جغرافیایی، فضا زمانندی، لایه نگاری، وستفال

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1836002>

